

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیستم، شماره سوم، خرداد ۱۳۹۹، ۶۰-۳۷

نقد و بررسی دانشنامه علایی نشر مولی

فتحعلی اکبری*

ملکه پندجو**

چکیده

دانشنامه‌ی علایی تصنیف ابن‌سینا به زبان فارسی، نشر مولی به سال ۱۳۹۴، مشتمل بر دیباچه‌ای به قلم منوچهر صدوقی سها و چهار بخش؛ منطق، علم‌زیرین (طبیعیات)، موسیقی و علم‌برین (الهیات) است. این نشر فاقد بخش‌های هندسه، هیأت و ارثماطیقی است. ترتیب بخش‌های این اثر (نشر مولی) بر خلاف ترتیب مورد نظر ابن‌سیناست. زیرا سلیقه‌ی خاص ابن‌سینا در دانشنامه‌ی علایی این است که علم‌برین پیش از علم‌زیرین و بخش‌های ریاضی قرار بگیرد، اما در این اثر (نشر مولی) این ویژگی از دانشنامه گرفته شده و علم‌زیرین بعد از منطق و قبل از موسیقی و علم‌برین قرار گرفته است. پاورقی‌های دکتر محمد معین در بخش علم‌برین - که از چاپ انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۳۱ گرفته شده است - دارای ارجاع‌هایی است که متأسفانه در این اثر (نشر مولی) شماره‌ی صفحات این ارجاع‌ها بر خلاف چاپ انجمن آثار ملی، نادرست و اشتباه‌اند. مقاله حاضر درصد است به نقد و بررسی نقاط ضعف و امتیازات این اثر بپردازد.

کلیدواژه‌ها: ابن‌سینا، دانشنامه‌ی علایی نشر مولی، دانشنامه‌ی علایی نشر انجمن آثار ملی، موسیقی نشر مرکز دانشگاهی.

* دانشیار بازنشسته رشته فلسفه، دانشگاه اصفهان، dr.fathaliakbari@gmail.com

** کارشناس ارشد رشته فلسفه و کلام (نویسنده مسئول)، afsaneh.pandjoo@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۱

۱. مقدمه

آثاری که در زمینه‌ی علوم عقلی در دوره‌ی اسلامی نوشته شده‌اند، یکی از نقاط قوت تفکر در دوران ایران اسلامی است. هم‌چنین یکی از معیارهای توسعه‌ی فرهنگی هر جامعه میزان نشر آثار عقلی آن جامعه است. چه آن که مبادرت به تفکر نیازمند خودشناسی است و خودشناسی هر کسی مبتنی بر شناخت فرهنگ اوست. از این رو، شناخت فلسفه‌ی ابن سینا که هزار سال گذشته‌ی حیات عقلی ما متعلق به اوست برای خودشناسی ما ضروری است. چاپ و نشر آثار ابن سینا به ویژه کتاب دانشنامه‌ی علایی از آغاز تصنیف آن تاکنون مورد توجه جدی بوده است و فیلسوفان اسلامی در تدوین فلسفه، آن را الگوی خود قرار می‌دادند. در همان عصر ابن سینا، فیلسوفی چون بهمنیار گفته است: «من در ترتیب این رساله (التحصیل) از حکمت علایی (دانشنامه‌ی علایی) پیروی کردم...» (بهمنیار، ۱۳۴۹، ص ۱).

دانشنامه‌ی علایی (بخش‌های منطق، طبیعیات و الهیات) اولین بار در هندوستان چاپ شد (حیدرآباد، چاپ سنگی، ۱۳۰۹ ق)، دومین بار بخش‌های منطق و الهیات آن، با حواشی و تصحیح احمد خراسانی (سال ۱۳۱۵ ش، تهران، شرکت مطبوعات) به چاپ رسید. سومین بار همه‌ی بخش‌های آن، به مناسبت هزاره‌ی میلاد ابن سینا، با مقدمه و تصحیح دکتر محمد معین، محمد مشکوه و مجتبی مینوی (سال ۱۳۳۱، تهران، انجمن آثار ملی) به زیورطبع آراسته گردید. بخش موسیقی آن با مقدمه و تصحیح و تلخیص تقی بینش (سال ۱۳۷۱ ش، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ضمن سه رساله فارسی در موسیقی) منتشر گردید. چاپ‌های دیگری نیز از بخش‌های ریاضیات و سایر بخش‌های آن نیز به عمل آمده است. ما در این مقاله به بررسی و نقد چاپ اخیر دانشنامه‌ی علایی (سال ۱۳۹۴، تهران، انتشارات مولی) می‌پردازیم که در این مقاله از آن با تعبیر «این اثر» یاد می‌کنیم.

مساله‌ی ما در این مقاله چگونگی وجوه مختلف این اثر و دقیقاً چگونگی امتیازات و کاستی‌های این اثر است. بررسی این اثر ناگزیر دو وجه پیدا می‌کند: از وجهی باید مقدمه - ها و پاورقی‌های مصححان را بررسی کنیم و از وجهی دیگر ناگزیریم به بخش‌های چهارگانه‌ی این اثر پرداخته و در باره‌ی خود ابن سینا نیز نکاتی را به میان بیاوریم. از این رو، هم به بررسی مقدمه‌های مصححان و هم به بررسی متن بخش‌های مختلف این اثر پرداخته‌ایم. اما در زیر برخی عنوان‌ها مثلاً تحلیل خاستگاه اثر با نقد شکلی و محتوایی و رویکرد کلی اثر جایی برای بررسی مقدمه‌ها یا دیباچه با پاورقی بخش‌های مختلف آن پیدا

نکردیم، ناگزیر دست به تفسیر افتاب زدیم و چونان توضیح واضحات به بیان امتیازات سخنان خود ابن سینا در متن‌های بخش‌های چهارگانه‌ی این اثر پرداختیم. هدف ما در این مقاله، حل همین مساله، یعنی تبیین چگونگی امتیازات و کاستی‌های این اثر است. ما در بررسی چگونگی وضعیت تحلیل در مقدمه‌ها و متن اثر و در نقد وجوه مختلف اثر به نتایجی رسیدیم که نمونه‌ای از آن‌ها به شرح زیر است:

۱. دست اندر کاران چاپ این اثر (نشر مولى) از غلط بودن بسیاری از شماره‌های صفحات ارجاع‌ها به ویژه در پاورقی‌های ستایش انگیز دکتر محمد معین غفلت کرده‌اند (در آخر این مقاله تحت عنوان «پیوست» به برخی از این غلط‌ها اشاره شده است).

۲. ترتیب مورد نظر ابن سینا - که از ویژگی دانشنامه‌ی علائی است - در این اثر (نشر مولى) رعایت نشده است. در دانشنامه‌ی علائی - چنان که خود ابن سینا تصریح کرده است - علم برین بعد از منطق قرار دارد، یعنی بر علم زیرین (طبیعیات) مقدم است اما در این اثر (نشر مولى) علم زیرین بعد از منطق و قبل از موسیقی و علم زیرین قرار گرفته است. در صورتی که ابن سینا در همان آغاز منطق می‌گوید: «من تصمیم گرفتم بعد از منطق به علم برین (الهیات) پردازم.» و در پایان منطق می‌گوید: «زین پس سخن گوئیم اندر علم برین یعنی علم الهی.» و در طبیعیات در مبحث عقل فعال با تعبیر «اندر علم الهی گفتیم» به علم الهی که گذشته است ارجاع می‌دهد. ما در بند الف توضیح و شواهد بیشتر در این باره به میان خواهیم آورد.

۳. در مقدمه‌ی ستایش انگیز دکتر معین در مبحث سبب تالیف دانشنامه جای بحثی است که ما در بند «ه» شماره‌ی III تحت عنوان «کیفیت تحلیل و بررسی‌ها و مستدل و مستند بودن اثر» آن را مورد بررسی قرار داده‌ایم. در این مقاله، بیشتر، سعی ما بر این است که، در ضمن نقد این اثر (نشر مولى) اطلاعاتی - هرچند اندک - درباره‌ی دانشنامه‌ی علائی به دست آید.

۲. معرفی کلی اثر

۱.۲ نام اثر

خود ابن سینا در متن این اثر نامی برای آن تعیین نکرده است، اما عبدالواحد محمد جوزجانی شاگرد و ندیم ابن سینا در مقدمه‌ی بخش ریاضی، آن را «دانشنامه‌ی علائی»

نامیده است. شهردان رازی نیز در نرخت نامه‌ی علایی آن را به همین نام خوانده است (این اثر، ص ۲۸۸). در اکثر نسخه‌های خطی نیز نام دانشنامه‌ی علایی به آن داده شده است. اگر هم نام حکمت علایی به آن داده شده است، حاکی از موضوع این کتاب است. و اگر در جایی دانش‌نامه‌ی علایی خوانده شده است، ناشی از تحریف و تصرف ناسخ است.

۲.۲ زمان تألیف اثر

ابن سینا این اثر را بعد از چهل سالگی در ایام اقامت خویش در اصفهان (بین سال‌های ۴۱۲ ق تا ۴۲۸ ق) در منادمت علاءالدوله ابوجعفر تصنیف کرده است. بخش‌های ریاضی آن به توسط محمد جوزجانی از گفته‌های خود ابن‌سینا فراهم آمده است (این اثر، ص ۲۸۸).

۳.۲ سبب تألیف اثر

ابن سینا درباره‌ی سبب تألیف دانشنامه‌ی علایی به صدور فرمان علاءالدوله اکتفا می‌کند اما شهردان توضیحی در این باره داده است که در بند « ۶؛ محتوای اثر » شماره‌ی III آن را مورد نقد قرار خواهیم داد.

۴.۲ بخش‌های این اثر

این سینا در آغاز منطق این اثر از پنج بخش (علم منطق، علم طبیعیات، علم هیات، علم موسیقی و علم آن چه بیرون از طبیعت است) سخن به میان آورده است؛ و این اثر (نشر مولی) فاقد هیات است که خود ابن‌سینا به آن تصریح کرده است. نسخه‌های کامل دانشنامه مشتمل بر هفت دانش است: منطق، علم برین، علم زیرین، هندسه، هیات ارثماتیقی و موسیقی (این اثر، ص ۲۸۹). از این میان ریاضیات (هندسه، هیات، ارثماتیقی و موسیقی) تقریر خواجه عبدالواحد محمد جوزجانی از گفته‌های ابن سینا است (این اثر، صص ۲۳۳ و ۲۹۰).

ترتیب بخش‌های دانشنامه‌ی علایی در این اثر (نشر مولی) کاملاً اشتباه است، یعنی نبایستی علم برین بعد از علم زیرین و در آخر قرار گیرد؛ بلکه بایستی علم برین در جای

علم زیرین (بعد از منطق) و قبل از علم زیرین قرار گیرد. خود ابن سینا علم (علم الهی یا الهیات) را مقدم بر علم زیرین قرار داده و گفته است: «چنان اختیار افتاد که چون پرداخته آید از علم منطق، حيله کرده آید که آغاز از علم برین کرده شود...» (این اثر، صص ۷-۸)، و در آخر منطق گفته است: «زین پس سخن گوئیم اندر علم برین، یعنی علم الهی (این اثر، ص ۹)، و در مقدمه‌ی بخش علم برین گفته است: «این علم (علم الهی و علم ربو بیت) ... به آخر آموزند، هر چند به حقیقت اول است، و لیکن ما جهد کنیم که به اول آموزیم...» (این اثر، ص ۲۸۹). او در علم زیرین، در مبحث عقل فعال، با فعل ماضی به علم برین ارجاع داده و گفته است: «... اندر علم الهی گفتیم...» (این اثر، ص ۲۱۱). محمد مشکوه در پاورقی مقدمه‌ی علم زیرین، بعد از ذکر روش ارسطو، یعنی تقدم طبیعیات بر فلسفه‌ی اولی (علم برین)، می‌گوید: نخستین کتابی که تقدم علم الهی بر طبیعیات را پیش گرفته است، کتاب حاضر (دانشنامه‌ی علائی) است (این اثر، ص ۱۲۱) و دکتر معین می‌نویسد: «نسخه‌های دانشنامه را آقای مشکوه در مقدمه‌ی بخش سوم دانشنامه (طبیعیات) و نگارنده در دیباچه‌ی بخش دوم (علم برین) آورده اند.» (این اثر، ص ۵).

۳. خاستگاه اثر

در دوره‌ی ساسانیان در شهرهایی چون جندی شاپور، اصفهان، همدان، ری، خراسان و سایر جاهای ایران زمین فرهنگی نسبتاً غنی پدید آمده بود که در اثر فتوحات اسلامی، در قرن اول و دوم هجری، با فرهنگ‌های یونانی و سریانی موجود در اسکندریه، انطاکیه، نصیبین و امثال آن‌ها برخورد و در نتیجه‌ی این برخورد، غنی‌ترین فرهنگ آن روز جهان، طی قرن‌های سوم و چهارم هجری شکل گرفت که نهضت ترجمه و بیت الحکمهء بغداد از مظاهر آن بودند. در این زمان بستری فراهم آمد برای ظهور فیلسوفانی چون فارابی و ابن‌سینا با شرح صدری بسیار وسیع و آماده برای بررسی هر فکر عقلی که به گوششان می‌خورد. در قرن چهارم هجری بود که فلسفه‌ی اسلامی مبتنی بر سلسله مراتب هستی شکل نهایی به خود گرفت.

این اثر، در زبان فارسی، مهمترین اثر حاصل دورانتاسیس فلسفه‌ی اسلامی است که دانش‌های هفتگانه‌ی آن روزگار را در خود جای داده است. این اثر از همان زمان که تالیف گردید و در آن، بر خلاف رسم معمول آن زمان، علم برین مقدم بر علم زین قرار گرفت،

مورد قبول فیلسوفانی چون بهمنیار در تحصیل و قطب شیرازی در دره التاج و حتی سبزواری در غرالفراید قرار گرفت .

۴. مولفه‌های جامعیت صوری اثر

در این اثر اکثر مولفه‌های جامعیت صوری وجود دارد:

- ۱- مقدمه‌ی مصنف در آغاز منطق، مشتمل است بر بیان انگیزه‌ی مصنف در تالیف اثر، اهداف (بیان اصل‌ها و نکته‌های پنج علم از علوم حکمت پیشنگان) و بیان نظر مصنف در خصوص تقدم علم برین بر علم زیرین، (این اثر، صص ۷-۹).
 - ۲- مقدمه‌ی اول دکتر معین مشتمل بر امتیازهای این اثر و معرفی نسخه‌های خطی آن و چگونگی تصحیح اثر است (این اثر، صص ۳-۶).
 - ۳- مقدمه‌ی دوم دکتر معین که شامل بررسی نام اثر، زمان تالیف آن، سبب تالیف آن و نسخه‌های آن است. ضمناً حاشیه نویسی دکتر معین در بخش علم برین کاری است سترک برای توضیح اصطلاحات فلسفی (این اثر، صص ۲۸۵-۳۰۷ و دنباله).
 - ۴- مقدمه‌ی محمد مشکوه شامل معرفی اثر، نسخه‌های آن و بیانگر برخی نوآوری‌های ابن‌سیناست (این اثر، صص ۱۱۹-۱۲۵).
 - ۵- مقدمه‌ی نقی بینش مشتمل بر خلاصه‌ای ستایش انگیز از موسیقی این اثر است (این اثر، صص ۲۲۹-۲۴۰).
 - ۶- دیباچه‌ی منوچهر صدوقی سها مشتمل بر دلیل استمرار فلسفه در ایران، متون فلسفی به زبان فارسی و طریق اتصال ابن‌سینا به فارابی است. هرچند که این دیباچه چندان ربطی به دانشنامه‌ی علایی ندارد.
 - ۷- نمودارهای متن اثر:
ابن‌سینا در بخش منطق برای بیان قیاس مرکب، نخستین شکل از اشکال کتاب اقلیدس را آورده و در آن با دو دایره متقاطع و در واقع با دو قیاسی که در هم ادغام شده اند «مثلث» را به ثبوت رسانیده است (این اثر، ص ۶۵).
- او در طبیعیات این مساله را که چرا انسان یک چیز دورتر را کوچک‌تر میبندد با نموداری بیان کرده است (این اثر، ص ۱۹۱).

نقد و بررسی دانشنامه علائی نشر مولى ۴۳

- او در بخش علم برین برای بیان ابعاد سه گانه‌ی جسم از دو چلیپا سود جسته است. (این اثر ، ص ۳۱۹).
- او برای ابطال جزء لایتجزا از سه تصویر چینش اجزاء بهره برده است. چنان که در دلیل چهارمی که برای ابطال جزء لایتجزا اقامه کرده از نموداری بهره برده است. (این اثر ، صص ۳۲۵-۳۲۷).
- ۸- خلاصه‌ی بخش موسیقی با بیانی روان و ساده در مقدمه‌ی تقی بیش دیده می‌شود. (این اثر ، صص ۳۳۲-۲۴۰).
- ۹- نمایه‌های این اثر بدین شرح‌اند:
- نمایه‌ی اصلی تحت عنوان فهرست اعلام و اصطلاحات (این اثر ، صص ۴۵۹-۴۹۲).
- نمایه‌ی اختلاف نسخه‌های موزه‌ی لندن (ستون اول) و نسخه‌ی ملک (ستون دوم) (این اثر ، صص ۲۷۲ - ۲۷۸).
- نمایه‌ی اصطلاحات موسیقی در چهار ستون فارسی، توضیح، فرانسه و انگلیسی (این اثر ، صص ۲۷۹-۲۸۲).

۵. کیفیت چاپ و امور فنی اثر

- ۱- طرح جلد اثر با خوش نویسی استاد حمید عجمی مناسب است.
- ۲- حروف نگاری و صفحه آرایی اثر مناسب است.
- ۳- کیفیت لیتوگرافی و چاپ اثر خوب است.
- ۴- صحافی عالی است.
- ۵- قطع اثر مناسب است.
- ۶- غلط‌های چاپی و غیره در این اثر (نشر مولى) فراوان است و ما در آخر مقاله قبل از منابع تحت عنوان «پیوست» به آن‌ها اشاره خواهیم کرد .

۶. محتوای اثر

۱.۶ درون ساختاری اثر

الف. میزان انسجام و نظم منطقی بخش‌های این اثر و کل آن :

نظم مورد نظر ابن سینا در دانشنامه‌ی علایی بدین ترتیب است: منطوق، علم برین، علم زیرین، هندسه، هیات، ارثما طیقی و موسیقی. اما در این اثر (نشر مولی) علم برین با علم زیرین جا به جا شده و علم زیرین، به غلط، قبل از علم برین قرار گرفته است. چنان که در « بند ۲؛ معرفی کلی اثر؛ شماره‌ی ۴ دلایل غلط بودن ترتیب این اثر (نشر مولی) گذشت. در دانشنامه‌ی علایی درباره‌ی این که چرا و از چه لحاظ علم برین مقدم است، توضیحی داده نشده است. اما در الهیات شفا چنین آمده است: « نام این دانش مابعدالطبیعه است ... » معنای « بعد » در مابعدالطبیعه، بعدیت و تاخر نسبت به ما (بالتیاس الینا) است. زیرا ما در نخستین مشاهده‌ی وجود و در نخستین پژوهیدن احوال وجود، با وجود طبیعی روبرو می‌شویم. » (ابن سینا، ۱۴۰۴ ق، صص ۲۱-۲۲).

ظاهراً ابن سینا این توضیح را از اسکندر افرویدیسی (۱۹۸-۲۱۱م) گرفته است. آن جا که اسکندر افرویدیسی گفته است: « آن دانشی که وی (ارسطو) آن را متافوسیکا عنوان داده است از این روی که نسبت به ما (Pros hemas) از لحاظ ترتیب و نظم، پس از آن (طبیعیات) می‌آید (شرف الدین شرف، ۱۳۶۶، مقدمه‌ی مترجم، ص ۴۰، نقل از Alexander in Metaphysica ص ۱۷۱) .

ابن سینا پس از ذکر علت قرار گرفتن الهیات بعد از طبیعیات و این که تاخر الهیات نسبت به ما (بالتیاس الینا) است، به نظمی دیگر (نظم دانشنامه) اشاره کرده و گفته است: «اگر این دانش (علم برین) به حسب ذات خویش در نظر گرفته شود شایسته‌ی نام « ماقبل-الطبیعه » است. زیرا اموری که در این دانش مورد بحث واقع می‌شوند هم بالذات و هم بالعموم قبل از طبیعت‌اند » (ابن سینا، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۲).

منظور ابن سینا از «قبلت بالذات» این است که چیزهایی در علم برین مورد بحث واقع می‌شوند که قبل از طبیعت و علت طبیعت‌اند مانند مبدا نخستین و سایر مبادی عالییه. و منظور از قبلت بالعموم آن است که علم برین از امور عامه بحث می‌کند و «امور عامه برای اذهان ما شناخته‌تراند» (ابن سینا، ۱۴۰۵، سماع طبیعی، ص ۸). پس، توضیح آن چه در دانشنامه‌ی علایی ناگفته مانده است، همین قبلت بالذات و بالعموم علم برین نسبت به علم زیرین است. هر چند که طبیعیات (محسوسات) نسبت به ما (بالتیاس الینا) مقدم‌اند.

ب. میزان نظم منطقی مطالب در درون بخش‌ها و فصول اثر:

- نخست، منطوق:

مقدمه‌ی منطق به قلم دکتر معین هر چند کوتاه است اما از انسجام کامل برخوردار است و نسخه‌شناسی منسجم، به ویژه نسخه‌های کتابخانه‌های ترکیه است. نظم متن منطق این اثر همان نظم ارسطویی است که منسجم‌تر و منقح‌تر شده است. ابن‌سینا کار ارسطو را در منطق تام و کامل می‌شمارد (ابن‌سینا، ۱۴۰۴، منطق ج ۴، ص ۱۱۴ و ص ۳ سخن جوزجانی). ولیکن برخلاف آن چه از ظاهر امر بر می‌آید، ارغنون ارسطو حاوی تقریر منظم مسائل منطق نیست. زیرا ارسطو قاطیغور یاس و کتاب دوم تا هفتم طویبقا را قبل از کشف قیاس نوشته است. (بریه، ۱۳۵۲، تاریخ فلسفه در دوره ی یونانی صص ۲۲۴ - ۲۲۵).

ابن‌سینا در این اثر برای خطابه و شعر فصل خاصی اختصاص نداده است. شاید به دلیل این که خطابه یقین آور نیست، در حالی که منطق به دنبال یقین است. شعر هم شاید بابتی از ابواب خطابه شمرده شود.

- دوم، علم برین:

مقدمه‌ی تحسین برانگیز دکتر معین بر علم برین این اثر، پر محتوا و بسیار منسجم است و پاورقی‌های او در علم برین اصطلاحات فلسفی را به طور کم نظیر توضیح داده است. علم برین این اثر منظم‌تر از متافیزیک ارسطوست. زیرا همه‌ی فصول و کتاب‌های متافیزیک ارسطو بر نسق واحد نیست: اولاً، الف صغرای آن مقدمه‌ای است بر علم طبیعت، و پاسیکلس آن را نوشته است، پس باید جدا از سایر اجزاء این مجموعه (متافیزیک ارسطو) در نظر گرفته شود. ثانیاً کتاب دلتای آن شرح اصطلاحات فلسفی است. ثالثاً، مثلاً جوهر به طور پراکنده در کتاب‌های اتا، زتا، ثتا، یتا و مو آمده است. رابعاً شماری از اجزاء متافیزیک (آلفا، بتا، گاما، اپسیلون، مو ونو) قدیم‌تر و به مکتب افلاطونی نزدیک‌تر اند. خامساً، کتاب کاپا دفتری است از شاگرد ارسطو.

اما علم برین در دانشنامه‌ی علائی کاملاً منسجم است و با تقسیم عقل به نظری و عملی آغاز می‌شود. برخلاف کتاب عیون الحکمه که فلسفه‌ی اولای آن با اثبات فلسفه‌ی اولی از راه اثبات عوارض ذاتی ویژه برای موجود مطلق (نامقید به قید طبیعی، ریاضی و منطقی) شروع می‌شود (ابن‌سینا، ۱۹۵۴، ص ۶۱). چنانکه آغاز اولین فصل اسفار ملاصدرا نیز مآخوذ از عیون الحکمه است. (ملا صدرا، ۱۳۸۷ق، ص ۲۳، صص ۶ - ۲۴ س ۵) شارحان اسفار، تاکنون از این نکته غافل مانده‌اند.

علم برین در این اثر مشتمل بر ۵۷ فصل است که متناظر با فصل‌های شصت گانه الاهیات شفا ست. (با صرف نظر از فصل ۴ از مقاله‌ی اول آن که فهرست کامل فلسفه‌ی

اولی ست). شهرستانی مسایل فلسفه‌ی اولی را منحصر در ده مساله دانسته که با فهرست مسایل علم برین این اثر قابل تطبیق است. (شهرستانی ۱۳۳۵، صص ۳۸۲-۴۰۴). انسجام درونی علم برین این اثر مبتنی بر تقابل حرکت طبیعی و حرکت قسری است، به طوری که اگر ابن سینا حرکت را منحصر به قسری می‌کرد علم برین او یکسره از میان می‌رفت. تاکید ابن سینا بر بطلان جزء لایتجزای متحرک با حرکت قسری از همین جا نشأت می‌گیرد. (این اثر، صص ۳۲۴-۳۲۹). در این اثر شکل‌های تخیلی و انتزاعی علم نجوم به منزله‌ی اشیاء واقعی و خارجی تلقی می‌شوند و ستاره‌شناسی ریاضی به صورت یکی از علوم طبیعی مربوط به فلک در می‌آید.

- سوم علم زیرین:

علم زیرین نیز در این اثر، به تعبیر بهمنیار مهذب گشته است. (بهمنیار، ۱۳۴۹، ص ۱) و به نحوی بر تقابل حرکت طبیعی و حرکت قسری استوار است که اگر حرکت منحصر به قسری می‌شد و جهان مکانیکی بود و طبع و نفس مطرح نبود، طبیعیات ابن سینا از میان می‌رفت.

- چهارم موسیقی:

مقدمه‌ی موسیقی به قلم تقی بی‌نش از نظم کامل برخوردار است و تالخیص بخش موسیقی بر انسجام این مقدمه افزوده است. موسیقی این اثر به سه قسمت قابل تقسیم است:

- قسمت اول در باره نغمه هاست.

- قسمت دوم در باره ایقاع (سنجش وزن) است.

- قسمت سوم مربوط به آلات الحان است.

۲.۶ نقد منابع

الف. نقد و تحلیل میزان اعتبار منابع دیباچه و مقدمه های اثر:

- ۱- دیباچه‌ی اثر تاحدی از منابع معتبر بهره‌مند است اما برخی اظهارنظرها در آن فاقد منبع معتبر است که توضیح آن در بند بعدی خواهد آمد.
- ۲- مقدمه‌ی منطق دارای منبع قابل استناد است.
- ۳- مقدمه‌ی علم زیرین نیز به منابع معتبر مستند است.

نقد و بررسی دانشنامهٔ علائی نشر مولی ۴۷

۴- مقدمه‌ی موسیقی در بر دارنده خلاصه‌ای است مستند به خود رساله‌ی موسیقی این اثر .

۵- مقدمه‌ی علم برین خود دارای فهرست منابع جداگانه‌ای است.

ب. نقد منابع متن اثر:

ابن سینا معمولاً به ارسطو رجوع می‌کند، مثلاً در اواخر سفسطه‌ی شفا درباره‌ی اعتبار منبع خویش می‌گوید: «...با این که نزدیک به ۱۳۳۰ سال از زمان ارسطو گذشته، هرگز کسی نتوانسته بر او ایراد بگیرد... کار او تام و کامل است.» (ابن سینا، ۱۴۰۴ق، سفسطه ص ۱۱۴). ابن سینا در این اثر از ارسطو به عنوان امام حکیمان و دستور و آموزگار فیلسوفان یاد کرده است (این اثر، ص ۴۰۸) {دستور ریشه‌ی دکتر است (دهخدا، ۱۳۷۳، مدخل دستور)}. با این حال، ارسطو در جاهایی بر ارسطو پیشی می‌گیرد. او می‌گوید: «...من چیزهایی را که با فکر خود به آن‌ها رسیدم بر آنچه در کتب قدما بود افزودم، خصوصاً در علم الطبیعه و مابعد الطبیعه و منطق...» (ابن سینا، ۱۴۰۴ق، صص ۹-۱۰).

۳.۶ وضعیت تحلیل اثر

الف. قدرت تجزیه و تحلیل در مقدمه‌ها:

۱- قدرت تجزیه و تحلیل در دیباچه‌ی اثر چندان مناسب به نظر نمی‌رسد. ما در بند قبلی بدین نکته اشاره کردیم. اکنون به اختصار توضیح می‌دهیم که مثلاً نظر نویسنده‌ی این دیباچه مبنی بر این که از قرن هفتم بدین سو «آفتاب علوم اوایل یا همان فلسفه... فی الحقیقه در حوزه‌ی تسنن غروب کرد» (این اثر، ص ۱۲) فاقد منبع معتبر است. زیرا در همان قرن هفتم و حتی در آغاز دوره‌ی صفویه، فیلسوفانی چون کاتبی و خفری و صدها فیلسوف دیگر در حوزه‌های تسنن بودند. تا جایی که علامه حلی در همان قرن هفتم بر کتاب حکمه العین تالیف کاتبی شرحی تحت عنوان ایضاح المقاصد نوشت (که در ۱۳۳۷ش، با نمایه‌ی ستایش انگیز علی نقی منزوی به چاپ رسید). شاید غروب فلسفه در حوزه‌ی تسنن با ظهور صفویه رخ داده باشد. یعنی در آن زمان که محتسبان صفویه علمای اهل سنت را در ایران به حاشیه و شاید به نابودی کشاندند. مثلاً وقتی که شاه اسماعیل وارد شیراز گردید، اکثر علمای آن‌جا از مخالفان (یعنی از اهل سنت) بودند. شاه آنان را احضار کرد و دستور داد به خلفای سه گانه لعنت کنند. آنان چون تقیه در لعنت کردن را جایز نمی‌دانستند، از لعن امتناع ورزیدند. پس به فرمان شاه اسماعیل همه‌ی آنان کشته شدند. سپس به گوش

شاه اسماعیل رسید که یکی از افاضل اهل سنت به نام شمس‌الدین خفری (که یکی از آثارش حاشیه بر الهیات تجرید است) زنده مانده است. شاه او را هم احضار کرد و به او دستور داد که خلفای سه‌گانه را مورد لعن قرار دهد. خفری شدیداً خلفای سه‌گانه را مورد لعن قرار داد و از کشته شدن رهایی یافت. او همین که از پیش شاه بیرون آمد همکیشانش از او پرسیدند: چگونه از دین خود برگشتی و پیشوایان خود را لعن کردی؟ خفری پاسخ داد: یعنی از برای دو سه عرب فلان جا برهنه مرد فاضلی همچون من کشته شود (موسوی خوانساری اصفهانی، ۱۳۹۵، روضات الجنات، صص ۱۹۵-۱۹۶، نقل از انوار نعمانیه‌ی سید جزایری و دیگران) پس، غروب فلسفه نه در قرن هفتم تا نهم بلکه شاید در قرن دهم به بعد رخ داده باشد.

آن چه در این دیباچه تحت عنوان "اشعاربه وجود متون فلسفی در زبان فارسی" آمده است تماماً نقل قول از دکتر غلام حسین صدیقی است. در آخرین قسمت این دیباچه چنین آمده است:

یکی از خصایص خاص الخاص تاریخ فلسفه در ایران همانا تسلسل ساری در حلقات فلاسفه است تا بدان جایگاه که ایدونا بتوانم سلسله‌ی اساتید خویش مسلسل با صدر المتالهین متصل گردانم و مثل را از یک طریق چنین آورم که من بنده سها شاگرد شیخ علی محمد جولستانی‌ام و او شاگرد آقا میرزا مهدی آشتیانی می‌بوده است... (این اثر، ص ۳۲).

اما اگر بشود با آقای سها و آقا شیخ علی محمد جولستانی حلقه‌ی فلاسفه را به هم وصل کرد، کسی نمی‌تواند منکر اتصال حلقات فلاسفه باشد. زیرا همیشه مراکز علمی و حوزه‌های تعلیم و تعلم از زمان فارابی تاکنون وجود داشته و مدرسان هر دوره‌های مدرسان بعد از خودشان را تربیت کرده‌اند. اصلاً بحث درباره‌ی اتصال حلقات مدرسان نیست.

۲- مقدمه‌ی دکتر معین و پاورقی‌های او در بخش علم برین از قدرت تجزیه و تحلیل نیرومندی درباره‌ی موضوع‌های؛ نام دانشنامه‌ی علایی، زمان تالیف آن، سبب تالیف آن و تعدد آثاری که نام دانشنامه به آن‌ها اطلاق شده است، برخوردار است. همچنین معادل‌هایی که ماهرانه در پاورقی‌های او برای اصطلاحات فلسفی برگزیده شده‌اند.

۳- مقدمه‌ی علم زیرین، علاوه بر توضیح درباره‌ی نسخه‌های خطی دانشنامه‌ی علایی بیانگر سلیقه‌ی خاص ابن سینا در این اثر است.

۴- مقدمه‌ی بخش موسیقی مشتمل بر تحلیل سبک نثر فارسی ابن‌سینا و مهم‌تر از آن تلخیص توأم با تحلیل همه‌ی بخش موسیقی این اثر است.
ب. قدرت تحلیل در متن اثر:

این اثر خود تجسم تحلیل‌هایی است که نقطه‌ی عطف در تاریخ تفکر منطقی، فلسفی و ریاضی است. تحلیل‌های منطقی ابن‌سینا از چنان قدرتی برخوردار بود که هیچ فیلسوفی در دوره‌ی اسلامی به پای او نرسید. تقدیر چنین رقم خورد که منطق او مفصل‌ترین منطق در دوره‌ی اسلامی باشد و علم برین او منظم‌ترین متافیزیک جهان تا دوران جدید باشد. از ریاضیات دانشنامه فقط بخش موسیقی آن در این اثر (نشر مولی) آمده است که ما چهار کار ابن‌سینا را در بخش موسیقی یادآور می‌شویم:

- آوردن دو واژه‌ی زیبای تیزی و گرانی به عنوان معادل‌های فارسی برای حدت و ثقل (این اثر، ص ۲۳۳).

- بسیاری از انواع مختلف تالیف لحن از مباحث اختصاصی بخش موسیقی این اثر است (این اثر، ص ۲۴۰).

- در موسیقی ابن‌سینا برای اولین بار سایه‌ی موسیقی بر سر شعر گسترده شد و این دو در چهارچوب ایقاع واحد به هم آمیختند و شعر جزئی از اجزاء موسیقی شد (ابن‌سینا، ۱۴۰۵، ص ۲۴).

- هم‌صدایی را نیز ابن‌سینا برای اولین بار مطرح کرد. (همان، ص ۲۰).

ج. کیفیت تحلیل (مستدل بودن و مستند بودن) اثر:

چنانکه در شماره‌ی یکم همین بند مقاله اشاره شد، کیفیت تحلیل در دیباچه غالباً مستدل نیست. مقدمه‌ی علم زیرین مشتمل بر تحلیل مستند در مورد سلیقه‌ی خاص ابن‌سینا در مقدم داشتن علم برین بر علم زیرین است. مقدمه‌ی بخش موسیقی تحلیل مستند مندرجات بخش موسیقی درعین تلخیص آن است. مقدمه‌ی علم برین به قلم توانای دکتر محمد معین شامل تحلیل‌هایی مستدل و مستند به ۲۵ منبع معتبر است. تنها جای بحث در این مقدمه آن است که دکتر معین نوشته است: «در سبب تالیف کتاب (دانشنامه‌ی علائی) شیخ تنها به ذکر صدور فرمان علاء الدوله اکتفا کرده است، اما شهرمدان بن ابی‌الخیر در نزهت‌نامه‌ی علائی این مطلب را آشکار می‌سازد. وی می‌گوید: «شنیدم که ...علاء الدوله ...بعون علی‌سینا را گفت: اگر علوم اوایل به پارسی بودی می‌توانستی دانستن. و بدین سبب به حکم

فرمان دانشنامه‌ی علایی ساخت، و چون پرداخت و عرضه کرد از آن هیچ در نتوانست یافتن».

اما سخن مذکور شهردان نه تنها این مطلب را آشکار نمی‌سازد بلکه مخالف سخن ابن‌سیناست. زیرا سخن شهردان دال بر آن است که ابن‌سینا کتاب را برای خود علاءالدوله نوشته است، در صورتیکه ابن‌سینا صریحاً می‌گوید: «فرمان علاءالدوله... آمد به من بنده... که مرخادمان مجلس وی را کتابی تصنیف کنم پیارسی دری...» (این اثر، ص ۲۸۸). پس، ابن‌سینا، طبق فرمان، کتاب را برای خادمان مجلس علاءالدوله نوشته است، نه برای خود علاءالدوله. بنابراین، بر خلاف سخن دکتر معین که می‌گوید: «شهردان... این مطلب [سبب تالیف اثر] را آشکار می‌سازد» چندان دقیق نیست، زیرا سبب تالیف این اثر فرمان علاءالدوله است اما نه برای خود علاءالدوله بلکه برای خادمان مجلس او. شماره صفحات ارجاعی پاورقی‌های ستایش انگیز دکتر معین در بخش علم برین (علم الهی) در نشر مولی در هم ریخته که در پیوست این مقاله برخی از آن‌ها، و نه همه‌ی آن‌ها، اصلاح شده است. کیفیت تحلیل در متن اثر در اوج قله‌ی رفیع تحلیل قرار دارد. به ویژه علم برین (علم الهی) در دوره‌ی یونانی و اسلامی بی‌نظیر بوده است. از این روی که منظم‌ترین متافیزیک در این دو دوره بوده است، هدف ابن‌سینا در علم برین یگانه‌سازی دین و فلسفه است. او برای این کار اصولی را از قبیل: عنایت، صدور، مبدا اول، علل، قوه، فعل و جواهر، پیش کشید که همه‌ی آن‌ها از ابتکارات خود او نبودند، اما سرو سامان جدید به آن‌ها داد که کار خود او بود، و قرن‌ها اساس فلسفه‌ی الهی شمرده شد. و دامنه‌ی تاثیر آن، به مدارس مسیحی و حتی یهودی کشیده شد، و تاریخ گسترده‌ای پیدا کرد.

چ. کیفیت نقد آراء دیگران :

در مقدمه‌های مصححان، نقد آراء مطرح نشده است. فقط در مقدمه‌ی علم برین به قلم محمد مشکوه دو روش (روش ارسطو و روش شرقی) و سبب ترجیح روش شرقی (تقدم علم برین بر علم برین) که ظاهراً تالیف اسبق آن دانشنامه‌ی علایی است، بررسی شده است (این اثر، ص ۱۲۱).

خود ابن‌سینا توجه خاصی به آراء دیگران داشته است: مثلاً در علم برین با پنج حجت (برهان) رای اصحاب جزء لایتجزا را باطل ساخته است (این اثر، ص ۳۲۴ و دنباله). چنان که رد آراء دیگران در صفحات ۱۳۶، ۱۴۰ و دنباله و سایر صفحات این اثر دیده می‌شود.

ه. میزان رعایت بی‌طرفی علمی :

میزان بی طرفی علمی در مقدمه‌های این اثر عالی است، چنان که در متن اثر بسیار عالی است. زیرا امتیاز فلسفه در بی طرفی آن است، همان طور که ویژگی کلام در جانبداری آن از دین است، فیلسوف هر چه بزرگتر باشد طبعاً بی طرف‌تر است .

۴.۶ میزان نوآوری و روز آمدی اثر:

الف. نقد میزان نوآوری در مقدمه ی مصححان :

۱- در دیباچه‌ی این اثر میزان روز آمدی، در جای خود، مناسب است ، اما به دانشنامه‌ی علایی ربط چندانی ندارد. .

۲- در مقدمه‌ی علم زیرین نوآوری‌هایی دیده می‌شود، مثلاً توضیح سلیقه‌ی خاص ابن-سینا در تنظیم بخش‌های هفت گانه‌ی دانشنامه‌ی علایی و پیروی صدرا و سبزواری از ترتیب دانشنامه و توضیح سبب ترجیح روش شرقی که ظاهراً تالیف اسبق آن دانشنامه‌ی علایی است (این اثر، ص ۱۲۱-۱۲۲) و تطبیق سخن ابن سینا « جسم بزرگ جسم کوچک را به خود می کشد » با جاذبه‌ی عمومی و انتساب آن به ثابت بن قره (این اثر ص ۱۲۳).

۳- در مقدمه‌ی موسیقی ، تلخیص ساده و روان بخش موسیقی، روزآمد و ستایش انگیز است (این اثر ، صص ۲۳۲ و دنباله).

۴- مقدمه‌ی دکتر معین بر علم برین و پاورقی‌های او روزآمد و توأم با ابتکاراتی است.

ب. وجوه نوآوری در متن اثر :

متن دانشنامه‌ی علایی از چند وجه مبتکرانه است: چه از لحاظ نگارش آن به زبان فارسی، چه از لحاظ ادامه‌ی کار تاسیس فلسفه‌ی اسلامی که با فارابی آغاز شده بود، و چه از لحاظ طرح نظریات جدید. مثلاً ابن سینا در تبیین این که جنبش گرد (حرکت مستدیر) در وضع است صریحاً می گوید: «این چیزی است از جمله‌ی آن چیزها که ما به جای آوردیم» (این اثر، ص ۱۳۲) که در این جا ابن سینا قول به «وضع‌ی بودن حرکت مستدیر» را به خودش نسبت می‌دهد.

ج. روزآمدی اطلاعات و داده‌های اثر از جهت ارجاع به منابع جدید و برآوردن نیازهای

روز:

۱- مقدمه و پاورقی‌های دکتر محمد معیندر بخش علم برین حاوی اطلاعات روزآمد و

مستند به منابع جدید است.

۲- متن این اثر، هرچند که در حدود هزار سال پیش نوشته شده است، اما نظر به این که هزار سال گذشته‌ی حیات عقلی ما متعلق به ابن‌سینا است و به نحوی آثار او و به ویژه این اثر فارسی جزء از هویت فرهنگی ماست، پس نیاز ما را در زمینه‌ی خودشناسی ما برآورده می‌سازد. و - چنان‌که اشاره شد - خودشناسی برای مبادرت به تفکر، گام نخستین و ضروری به شمار می‌رود. چه آن که گرفتن تفکر دیگران بدون خودشناسی تقلید خواهد بود.

۵.۶ میزان هماهنگی اثر با مبانی آن

الف. میزان هماهنگی محتوای اثر با پیش‌فرضها و مبانی پذیرفته‌ی خود:

۱- دیباچه‌ی اثر، تاحدی با پیش‌فرض‌های خود و در جای خود، هماهنگ است. اما چندان ربطی به دانشنامه ندارد و به قول نویسنده‌اش استطرادی (نامرتب بالذات) است.
۲- نحوه‌ی تناسب مقدمه‌های مصححان اثر و پاورقی‌های آنان با پیش‌فرض‌ها و مبانی خودشان عالی است.

۳- میزان هماهنگی محتوای بخش‌های مختلف اثر با مبانی و پیش‌فرض‌هایشان در حدی است که از شاه‌کارهای جهان شمرده می‌شود. صدر و ذیل سخنان ابن‌سینا در سراسر این اثر چنان سازگار و هماهنگ است که به ندرت می‌توان نظیری برای آن یافت.

۴- موضوع علم برین موجود مطلق است که به واجب و ممکن تقسیم می‌شود (این اثر ۳۶۶). اما ممکن چون بالغیر (به برکت واجب) است، پس وجودش عاریتی (امانتی واجب) است. به طوری که در قوس صعود (معاد) به واجب باز می‌گردد و به تعبیر این اثر «خوش‌ترین خوشی پیوند واجب است». بنابراین، محتوای بخش علم برین این اثر با پیش‌فرض‌ها و مبانی آن از جمله توحید واجب و سلسله مراتب هستی (قوس نزول و قوس صعود) کاملاً هماهنگ است.

ب. میزان هماهنگی مفاد اثر با مبانی دینی:

هدف این اثر، به ویژه در علم برین یگانه‌سازی دین و فلسفه است که به نظر ابن‌سینا هر دو از منبع واحد (عقل فعال) سرچشمه می‌گیرند (این اثر، صص ۲۱۱-۲۲۵). اختلاف اصلی غزالی و ابن‌سینا در این است که ابن‌سینا دین و فلسفه را یکی می‌دانست، در

نقد و بررسی دانشنامه علائی نشر مولى ۵۳

صورتی که غزالی راه دین را از راه فلسفه جدا می شمرد که شاید غزالی از این لحاظ بر ابن رشد اثر گذاشته باشد.

۶.۶ نقد میزان انطباق و جامعیت اثر

- ۱- میزان انطباق محتوای اثر با عنوان و فهرست آن عالی است. محتوای این اثر که دانش‌های زمانه‌ی مصنف است با عنوان اثر و با فهرست آن کمال انطباق را دارد.
- ۲- میزان جامعیت موضوعی و محتوایی این اثر در نوع خود از چنان مزیتی برخوردار است که فیلسوفی چون بهمنیار در تدوین کتاب اصلی خود التحصیل از این اثر الگو برداری کرده است (بهمنیار، ۱۳۴۹، ص ۱).

۷.۶ چگونگی بهره برداری از ابزار های علمی

- در این اثراکثر مؤلفه‌های جامعیت صوری به بهترین وجه به کار گرفته شده است :
- ۱- مقدمه‌ی مصنف حاوی موضوع‌های زیر است:
 - انگیزه‌ی مصنف برای تصنیف (فرمان علاءالدوله).
 - سلیقه‌ی خاص مصنف در مورد مقدم داشتن علم برین بر علم زیرین.
 - بیان هدف مصنف (گرد آوردن اصل‌ها و نکته‌های علوم حکمی پیشینیان).
 - ۲- مقدمه‌ی مصححان پرباراند ، به ویژه مقدمه‌ی دکتر معین بر علم برین.
 - ۳- پاورقی‌های دکتر معین در بخش علم برین بهترین بهره‌گیری از ابزار حاشیه‌نویسی برای توضیح اصطلاحات متن است.
 - ۴- فهرست مطالب تاحدی مناسب است.
 - ۵- ابن سینا به خوبی از شکل‌های هندسی و غیره برای روشن شدن مطالب سودجسته است:
 - برای اثبات مثلث و در عین حال برای نشان دادن قیاس مرکب، از نخستین شکل کتاب اقلیدس (دو دایره متقاطع) بهره‌گیری کرده است (این‌اثر ص ۶۵).
 - برای بیان این که چرا انسان چیزهای دورتر را کوچکتر می‌بیند، از نموداری بسیار دقیق سودجسته است (این اثر، ص ۱۹۱).

- برای ابطال جزء لایتجزا از نموداری بهره گرفته است (این اثر، ص ۳۲۸) نیز برای ابطال جزء لایتجزا از سه تصویر چپینش اجزاء فرضی استفاده کرده است و برای بیان ابعاد سه‌گانه‌ی جسم، از دو چلیپا بهره گرفته است.
- ۶- برای بیان ساده و روان مطالب موسیقی در مقدمه‌ی بخش موسیقی، به بهترین وجه از تلخیص استفاده شده است.
- ۷- سه نمایه در این اثر چشمگیر است:
- اول نمایه‌ی اختلاف نسخه‌های بخش موسیقی.
- دوم نمایه‌ی اصطلاحات موسیقی.
- سوم نمایه‌ی اصلی تحت عنوان فهرست اعلام و اصطلاحات که نیاز به تکمیل و اصلاح دارد. مثلاً مدخل عقل فعال، تکرار شده است - ص ۴۴۸ باید بر صفحات عقل فعال افزوده شود - در مدخل علم الاهی باید ص ۲۱۱ افزوده شود - در مدخل وجوب ص ۳۱۵ باید افزوده شود - اصطلاح‌های زیاد باید افزوده شوند مانند اصطلاح هویت و اصطلاح مهم «هرآینگی» (وجوب) ص ۳۱۵ باید افزوده شود....

۸.۶ میزان دقت در کار برد اصطلاحات تخصصی و معادل‌سازی‌ها

در پاورقی‌های دکتر معین در بخش علم برین، معادل‌های اصطلاحات متن به بهترین وجه فراهم شده است. در مقدمه‌ی موسیقی نیز معادل‌های متن موسیقی، در همین بخش موسیقی در نمایه‌ی توضیحات و معادل‌های فرانسوی و انگلیسی آورده شده است. در متن این اثر معادل‌های بسیاری برای اصطلاحات عربی آورده شده است که در نمایه‌ی آخر اثر مشهود است.

۹.۶ نقد و تحلیل رویکرد کلی اثر

تاثیر هزار ساله متن این اثر از اهمیت بی‌رقیبی برخوردار است و امروزه نیز در جهان مورد توجه قرار گرفته است: ترجمه‌ی بخش طبیعیات و ریاضیات آن به فرانسه به وسیله‌ی محمد آشنا و هانری ماسه در دو جلد در سال‌های ۱۹۵۵ و ۱۹۵۶ در پاریس. ترجمه‌ی بخش الهیات آن به انگلیسی به وسیله‌ی پرویز مروج در سال ۱۹۷۳ در نیویورک صورت

گرفته است. به هر حال، نسبت و ارتباط محتوای علمی اثر با فرهنگ و ارزش‌های جامعه-ی ایرانی - اسلامی کنونی، تنگاتنگ و شدید است و برای خود شناسی ما حیاتی است.

۷. نقد و تحلیل چهارچوب نظری و روش شناختی اثر حول سه محور

۱- هستی شناسی که اساس تفکر فلسفی از قدیم تاکنون بوده است، محور اصلی نظام فلسفی ابن سینا در این اثر است. نقل چند سخن او ادعای ما را به ثبوت می‌رساند. او می‌گوید:

هستی را خرد خود بشناسد، بی حد و بی رسم، که او را حد نیست که او را جنس و فصل نیست که چیزی از وی عامتر نیست. و را رسم نیست. زیرا که چیزی از وی معروف تر نیست (این اثر، صص ۳۱۶-۳۱۷).

به نظر ابن سینا موضوع علم برین هستی مطلق است از آن جهت که مطلق است. و محمولات مسائل آن، حالت‌هایی است که ذاتی هستی است (این اثر، ص ۳۱۵). در هستی شناسی ابن سینا تمایز ماهیت از انیت (هستی) مورد تاکید قرار گرفته است تا ثابت شود که انیت موجودات به جز واجب، عارض بر ماهیت آنهاست و چون هر عرضی معلل (محتاج به علت) است پس ثابت می‌شود که همه-ی موجودات، به سبب عرضی بودن وجودشان بر ماهیتشان محتاج واجب‌اند و فقط واجب است که ماهیتش همان وجودش است. « هستی را به تازی انیت خوانند و ماهیت دیگر است و انیت دیگر » (این اثر، ص ۳۴۳ و دنباله). و چون « واجب الوجود را ماهیت جر انیت نشاید که بود » (این اثر، ص ۳۷۷) پس موجود بر دو قسم است: یا هستی عین ذات آن است (واجب) و یا هستی آن غیر از خود آن است (ممکن). بنابراین هستی برای ممکن عرضی است و هر عرضی معلل است (هر چه و را معنی عرضی بود و را علت بود - این اثر، ص ۳۷۷ و ۳۸۳). بدین ترتیب زیر ساخت خداشناسی ابن سینا در هستی شناسی او شکل می‌گیرد.

۲- جهان شناسی دومین محور نظام فلسفی ابن سیناست. همان طور که اشاره کردیم، باید جهان شناسی او را از خداشناسی او آغاز کنیم. او می‌گوید:

عالم را اولی است که به عالم نماند (شبیبه عالم نیست) و هستی عالم از وی است و وجود وی واجب است و وی را وجود، به خود (بالذات) است. بلکه وی به حقیقت هست محض است و همه‌ی چیزها را وجود از وی است (این اثر، ص ۳۸۳).

او به علم بودن واجب اشاره می‌کند و می‌گوید: واجب الوجود مجرد است از مادیت به غایت مجردی. (و هر مجرد از ماده علم است - این اثر، ص ۳۸۴). و چنین نتیجه می‌گیرد:

پس وی خود مر خود را عالم است و معلوم است، بلکه علم است ... عالم و معلوم و علم یک چیز بود به این جایگاه ... ذات وی که هستی ده همه‌ی چیزهاست معلوم وی است، پس همه‌ی چیزها از ذات وی معلوم وی است ... علم وی علت است مر چیزها را که هستند (این اثر، ص ۳۸۳ و دنباله).

او اراده را نیز از علم می‌داند و می‌گوید: «خواست وی از دانش، بر آن روی بود که داند که هستی چنین چیز اندر نفس خود خیر است و نیکوست» (این اثر، ص ۳۹۴). این جا نظام احسن و عنایت را پیش کشیده و در ادامه‌ی سخنش گفته است: «عنایت وی آن است که دانسته است که مثلاً مردم را اندام‌ها چگونه باید تا او را نیکوتر بود» (این اثر ص ۳۹۵). ابن سینا چون علاوه بر نظام احسن به قاعده‌ی الواحد لا یصدر منه الا الواحد قایل است، نظام عقول و اجسام فلکی را مطرح می‌کند و می‌گوید: «پس باید که از واجب الوجود اول موجود عقلی آید... و از آن عقل به یک جهت عقلی دیگر آید و به یک جهت جسمی آید... و همچنان از آن عقل عقلی دیگر و جسمی...» (این اثر، ص ۴۴۸). پس بدین ترتیب ابن سینا سلسله مراتب هستی را در قوس نزول به تصویر می‌کشد.

۳- علم النفس و شناخت شناسی:

ابن سینا در جوانی، پیش از بیست سالگی، درباره‌ی علم النفس به تالیف پرداخت. او در این اثر که بعد از چهل سالگی به تالیف آن دست زد، بیش از ۴۵ صفحه به این امر اختصاص داده است (این اثر، صص ۱۸۰-۲۲۵). ضمن آن که در مبحث کلی نیز به شناخت شناسی پرداخته است (این اثر، صص ۳۴۴ و دنباله). ابن سینا قوای نفس را به شیوه‌ی اطباء بررسی می‌کند چنان که روان‌شناسی کنونی نیز توجه خاص به پزشکی دارد. در این اثر، ابن سینا توجه خود را به رابطه‌ی تن و روان متمرکز کرده و برای نفس انسان قیمی به نام عقل فعال تعیین کرده و گفته است: «معقولات را عقل فعال در نفس انسان به فعلیت می‌رساند» (این اثر، صص ۲۱۱ و دنباله). او درباره‌ی کلی بگونه‌ای بحث کرده که شاید به نام‌گرایی نزدیک شده است (این اثر، صص ۳۶۴).

۸. نتیجه‌گیری

در این اثر (دانشنامه‌ی علائی نشر مولی به سال ۱۳۹۴ش) بخش‌های منطق، علم زیرین و علم برین از چاپ انجمن آثار ملی؛ تهران، ۱۳۳۱ش. تصحیح دکتر محمد معین و محمد مشکوه اخذ شده است. بخش موسیقی از چاپ مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۱، تصحیح تقی بینش گرفته شده است و از سوی نشر مولی عنوان چاپ اول به آن داده شده است. کارهایی که انتشارات مولی کرده عبارتند از:

- ۱- حذف سه بخش هندسه، هیأت و ارثماتیکی در صورتی که در چاپ انجمن آثار ملی، این سه بخش با تصحیح مجتبی مینوی به چاپ رسیده‌اند.
 - ۲- آوردن علم زیرین قبل از علم برین، در صورتی که این کار با صریح سخن ابن‌سینا مخالف است. چنان که در این مقاله در آخر (بند ۲؛ معرفی کلی اثر) گذشت.
 - ۳- افزودن دیباچه‌ای به قلم منوچهر صدوقی سه‌ها، در صورتی که این دیباچه چندان ربطی به دانشنامه‌ی علائی ندارد و به قول نویسنده‌ی آن استطرادی (و بالذات غیر مرتبط) است.
 - ۴- غلط شدن شماره‌ی اکثر صفحات ارجاعی به ویژه در پاورقی‌های دکتر معین در علم برین، چنان که در «پیوست» این مقاله ما تقریباً به نیمی از این غلط‌ها اشاره کرده‌ایم.
- بنابراین مزایای این اثر (تصحیح‌ها، مقدمه‌ها و...) به چاپ انجمن آثار ملی و مرکز نشر دانشگاهی تعلق دارد و معایب آن (غلط بودن شماره‌ی صفحات ارجاعی، مقدم داشتن ناروای علم زیرین بر علم برین و حذف شدن سه بخش هندسه، هیأت و ارثماتیکی و...) متعلق به انتشارات مولی است.

پیشنهادهای کاربردی

- ۱- مراعات سلیقه‌ی خاص ابن‌سینا در دانشنامه‌ی علائی مبنی بر مقدم داشتن علم برین بر علم زیرین.
- ۲- باهم آوردن همه‌ی هفت بخش دانشنامه‌ی علائی (منطق، علم برین، علم زیرین، هندسه، هیأت، ارثماتیکی و موسیقی). بخش موسیقی براساس چاپ مرکز نشر دانشگاهی و سایر بخش‌ها براساس چاپ انجمن آثار ملی.

- ۳- تهیه‌ی نمایه برای کل دانشنامه‌ی علایی به وسیله‌ی حداقل دو متخصص و یکپارچه و کامل سازی کار آن دو به وسیله‌ی متخصص سوم .
- ۴- جلوگیری از اشتباه شدن شماره‌ی صفحات ارجاعی به ویژه در پاورقی‌های علم برین.

پیوست

(مربوط به بند « ۵؛ کیفیت چاپ و امور فنی اثر » {غلط‌های این اثر} در سه ستون؛ ستون اول: شماره‌ی صفحه / سطر، ستون دوم: غلط‌ها، و ستون سوم: صحیح‌ها)

ش صفحه / سطر	غلط	صحیح
هفت / ۲۰	بسبب	سبب
پانزده / ۱۶	مماوجد	فتحه روی ج غلط است
شانزده / ۲	فکنبی	تشدید روی ک غلط است
هفده / ۴	فرزنگان	فرزانگان
بیست و یک / ۱۸	تاری	تازی
۶/۷۱ حاشیه‌ء ۱۲	حجنی	حجتی
۸/۱۰۰ جند	جند	چند
۱/۱۲۳ ح	ص ۱۲	ص ۹ یا ۱۳۵ (برحسب دو شماره ص موجود در هر ص این اثر)
۱۲۵/آخر	الدایره	الداتره
۱۲/۲۳۳	عبارتنا	عباراتنا
۱۱/۲۸۵	عیوالنبا	عیون الانباء
۲/۲۹۸	ص ۷	ص و یا ۱۲۴
۱۸/۳۰۵	دخلیه	دخیله
آخر/۳۳۹	جراپی	چراپی
آخر/۳۴۰	ص ۲۷	ص ۲۵ یا ۳۳۳
۱۹/۳۴۴	ص ۳۸	ص ۳۵ یا ۳۴۳
۲۳/۳۷۰	ص ۵۴	یا ۳۵۷

نقد و بررسی دانشنامه علائی نشر مولى ۵۹

ص ۳۶۷ یا ۵۹	ص ۶۶	آخر / ۳۷۱
ص ۳۶۷ یا ۵۹	ص ۷۶	آخر / ۳۷۴
----- صحیح آن را پیدا نکردیم	ص ۵۲ س ۲	آخر / ۳۷۵
		به هر حال غلط است.
ح ۲	ج ۱	آخر / ۳۷۶
ص ۳۵	ص ۳۸	آخر / ۳۷۸
س ۳ ح ۲	س ۲ و ح ۱	۲۱ / ۳۷۹
----- صحیح آن را پیدا نکردیم	ح ۲	۱۹ / ۴۰۱
		به هر حال غلط است
----- صحیح آن را پیدا نکردیم	ص ۱۵ و ح ۳	۲۱ / ۴۰۶
		به هر حال غلط است
تشدید روی و غلط است « اول » در	اول... اول	۸ / ۴۴۸

هر دو مورد به ضم الف و فتح واو است.

شاید تا اواسط علم برین شماره‌ی صفحات در ارجاع‌های پاورقی‌ها تاحدی اصلاح شده باشد. به هر حال آن چه در این پیوست آوردیم نمونه‌ای است از غلط‌های این اثر. بقیه‌ی اثر، به ویژه پاورقی‌های علم برین نیاز به اصلاح دارد البته اگر صفحات چاپ انجمن آثار ملی در نظر گرفته شود، مشکلی پیش نمی‌آید.

کتاب‌نامه

- ابن سینا، (۱۳۰۹ ق)، *دانشنامه‌ی علائی*، چاپ سنگی، حیدرآباد هند.
- ابن سینا، (۱۳۱۵ ش)، *دانشنامه‌ی علائی*، تصحیح احمد خراسانی، تهران؛ شرکت مطبوعات.
- ابن سینا، (۱۳۳۱ ش)، *دانشنامه‌ی علائی*، تصحیح دکتر محمد معین؛ محمد مشکوه و مجتبی مینوی، تهران؛ انجمن آثار ملی .
- ابن سینا، (۱۳۷۱ ش)، *دانشنامه‌ی علائی*، تصحیح تقی بینش، ضمن « سه رساله‌ی فارسی در موسیقی »، تهران؛ مرکز نشر دانشگاهی.
- ابن سینا، (۱۳۹۴ ش)، *دانشنامه‌ی علائی*، تهران؛ انتشارات مولى.
- ابن سینا، (۱۴۰۴ ق)، *شفا و الیهات*، قم؛ منشورات مکتبه المرعشی.
- ابن سینا، (۱۴۰۴ ق)، *شفا و سفسطه*، قم؛ منشورات مکتبه المرعشی.

۶۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال بیستم، شماره سوم، خرداد ۱۳۹۹

- ابن سینا، (۱۴۰۵ ق)، *شفا و سماع طبیعی*، قم؛ منشورات مکتبه المرعشی.
- ابن سینا، (۱۹۴۵ م)، *عیون الحکمه*، تحقیق عبدالرحمن بدوی، قاهره؛ المعهد العلمی الفرنسي.
- ارسطو، (۱۳۶۶ ش)، *متافیزیک*، ترجمه‌ی شرف‌الدین شرف، تهران؛ نشر گفتار.
- بریه، امیل، (۱۳۵۲ ش)، *تاریخ فلسفه در دوره‌ی یونانی*، ترجمه‌ی علی مراد داودی، تهران؛ انتشارات دانشگاه تهران.
- بهمنیار، (۱۳۴۹ ش)، *التحصیل، تصحیح مرتضی مطهری*، تهران؛ انتشارات دانشگاه تهران.
- حلی، علامه یوسف، (۱۳۳۷ ش)، *ایضاح المقاصد، تصحیح علی نقی منزوی*، تهران.
- شهرستانی، محمد، (۱۳۳۵ ش)، *ملل و نحل*، ترجمه‌ی افضل‌الدین ترکه اصفهانی، تصحیح جلالی نایینی، تهران؛ انتشارات اقبال.
- صدرالمتلهین، ملا صدرا، (۱۳۸۷ ش)، *اسفار اربعه*، تصحیح ابراهیم امینی و فتح‌اله امید، قم؛ نشر معارف.
- فارابی، (۱۹۴۸ م)، *احصاء العلوم*، تحقیق عثمان امین، قاهره؛ دار الفکر العربی.
- موسوی خوانساری، (۱۳۹۲ ش)، *روضات الجنات*، قم؛ مکتبه اسماعیلیان.